



هدف چیست؟ تبلیغ دین یا تبلیغ دنیا

محبوب الله امسالی /
دانش پژوه کارشناسی ارشد
فلسفه اسلامی / افغانستان

شش سال است که تجربه حضور در هیأت را در ایام و لیالی این دو سه سال، مسؤولیت برگزاری و برخی کارهای فرهنگی هیأت را نیز به عهده من گذاشته‌اند. و سعی کرده‌ام از نزدیک میزان مخاطبان و شرکت کنندگان هیأت را در نظر داشته باشم. آن چه در این مدت چند سال دست گیرم شده این است که: حقیقتاً شرایط تبلیغی امروز مردم، بسیار فراتر از نیازهای دیروز است. به همین خاطر، نباید به سادگی

از کنار مسأله تبلیغ گذشت و آن را ساده گرفت. واقعاً نمی‌شود مردم را با قصه و خواب و افسانه و شعر متدین نگه داشت. تبلیغ، آن قدر که بعضی وقت‌ها ساده می‌گیریم هم ساده نیست. یکبار از شهید مطهری رحمته دعوت می‌شود تا فردا در جمعی حضور یافته و ایراد سخن داشته باشند، شهید مطهری رحمته پاسخ منفی می‌دهد؛ دلیل را می‌پرسند، ایشان می‌فرماید: «من برای هر منبرم بیش از ده ساعت مطالعه و فکر می‌کنم.» نمی‌دانم انتساب این سخن به شهید مطهری رحمته درست است یا خیر؟ هر چه باشد، درست یا نادرست، مهم بودن مسأله را می‌رساند. برخلاف ما که گاهی آن قدر مسأله را ساده می‌گیریم که برای ده ساعت محرم حتی ممکن است، در هیأت متوسلین و لی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فقط یک به داشتیم که دو جا منبر می‌رفت و به سال روحانی حضورش در هیأت کمرنگ‌تر بود و گویا احساسات تصمیم گرفتند ابتدا فردی را که در دو یا چندین محل منبر داشته باشد، قبول نکنند. اما در اطراف شهر، ورامین، پاکدشت، و... الی ماء شاء الله روحانیونی که یک شب، چند منبر می‌روند، وجود دارد! من که قضیه را دنبال کردم، هیچ دلیل قانع کننده‌ای از سوی اعضای هیأت و روحانیون محترم دریافت نکردم. همین امسال هیأتی را در محدوده شهرری سراغ داشتیم که ساعت یازده و چهل دقیقه شب، یعنی بیست داشتیم که ساعت نصف شب، آغاز برنامه‌اش بود، حتی گاهی به دوازده ترافیک مسیر و نرسیدن سخنران جلسه، شروع برنامه به بعد از ساعت دوازده نصف شب هم می‌کشید! علت سومی هم در عباس آباد و مشیریه، دومی در تقی آباد و پس از اتمام سخنرانی حاج آقا، تا حدود ساعت ۲ می‌گفتند شب برنامه مداحی و سینه زنی دارند! با قطع نظر از این که پیرمردان و پیرزنان، افراد کودک و خردسال، امنیت کوچه و خیابان و ماشین، و بالاخره آرامش و آسایش مردم در آن نیمه شب چگونه است؟ حداقل این

گاهی آن قدر مسأله را ساده می‌گیریم که برای ده شب محرم حتی ممکن است، ده ساعت مطالعه و فکر هم نکنیم.

پرسش برای خودم هم چنان باقی ماند؛ چطور باور کنم جوانی که تا ساعت ۲ نصف شب در هیأت حضور داشته، برای نماز صبحش سرحال و قیرواق بلند شود؟ اگر نماز چنین جوانی در اثر خواب قضا شود، تصور می‌کنم طبیعی باشد. بهتر است همه را نماز شب بخوان به حساب نیاوریم، در همین جامعه که من و شما زندگی می‌کنیم هستند کسانی که برای «نماز نخواندن» شان دنباله بهانه هستند. نشود آن بهانه، فشار خواب ناشی از حضور

در هیأت تا نصف شب باشد، اگر چنین شد باید اسم چنین شد گذشت «هیأت انحراف آفرین»؛ چیزی که امام حسین علیه السلام نمی‌خواهد به پای هیأتی‌ها نوشته شود.

کسانی که در طول سال، در نقاط مختلف دور از روحانی بوده، اکنون که ده روز محرم از راه رسیده و با مشقت‌های زیادی و حسینیّه می‌آیند، انتظار دارند که هیأت با حضور همیشگی و منظم در تشنه آنان را از معارف ناب اسلامی و سیره عملی اهل بیت علیهم السلام سیراب نماید. آن معارفی که بین روحانی و توده‌های مردم و به خصوص نسل

یا خیر؟ باید بررسی دقیق‌تری صورت بگیرد. اگر شما فرصت بررسی را یافتید، لطف کنید نتیجه را برای ما هم اعلام نمایید!

پی‌نوشت‌ها:

۱. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۸۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۸ و مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶.

۲. احزاب: ۳۹.

۳. ملاحضه، شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۸.



درس گفتن موقوف

از محمد مهدی نراقی حکایت شده که روزی با دوستان خدمت میرزا محمدعلی اصفهانی رسیدند. دیدند که ایشان خود را آراسته و خضاب کرده است و کتب خود را به ترتیب و نضد تمام بر روی یکدیگر چیده است و دهلیز و ساحت خانه را آب زده و در کمال خرمی و سرور می‌باشد. مسرور شدیم که امروز میرزا ابتهجای دارند درسی درست خواهند فرمود، پس میرزا فرمودند به قصد درس خواندن آمده‌اید؟ درس خواندن موقوف است و این نظافت و نراهتی که ملاحظه می‌کنید تهیه سفری است که در نظر است. پس مهابت ایشان مانع شد که سؤال از ایشان کنیم، بر خواستیم که روانه شویم فرمودند: فردا صبح زودتر بیاید، چون روز دیگر صبح به خانه آن جناب رفتیم وفات نموده بود.^۱

توجه نشود، ممکن است چیزی را که ما به اسم «تبلیغ دین» انجامش می‌دهیم، به معنای دقیق کلمه «تبلیغ دنیا» باشد. من چند شاخصه را بر می‌شمارم، بقیه‌اش را شما بگویید:

۱- در «تبلیغ دین» هدف رساندن درست پیام دین است، اما در «تبلیغ دنیا» هدف هرچه بهتر و بیش‌تر بلعیدن است.

۲- «تبلیغ دنیا» از طریق بیان خواب و خرافه و افسانه و شعر و آهنگ قابل دسترسی است، اما «تبلیغ دین» فقط با شناخت و معرفت درست معارف دین و ابلاغ آن به مخاطب با روش مقبول و معروف ممکن است. چه این که به نقل از عبدالسلام هروی؛ امام رضا علیه السلام فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْبَبْنَا أَمْرًا فَقُلْتُ لَهُ فَكَيْفَ يَحْيِي أَمْرُكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلُمُهَا النَّاسُ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عُلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا»^۱

وظیفه مبلغ آن است که پیام دین را درست برساند.

۳- در «تبلیغ دین» مبلغ را «درد دین» آرام نمی‌گذارد؛ اما در «تبلیغ دنیا» حرص دنیا.

۴- در «تبلیغ دین» هدف انجام رسالت و جلب رضایت خداست: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»^۲ اما در «تبلیغ دنیا» هدف جلب رضایت مخاطب است؛ با هر وسیله و ابزاری!

۵- در تبلیغ دین، توجه و سر و کار با «جان مخاطب» است، ولی در «تبلیغ دنیا» توجه و سر و کار با «جیب مخاطب» است. ممکن است فردی ظاهراً عنوان «مبلغ دین» را داشته باشد، ولی در واقع چنین عنوانی بر او صادق نباشد و فاقد ویژگی: «مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا»^۳ باشد.

و تفاوت‌های دیگری که خودتان بهتر از من می‌دانید. اما این که هر دو در کنار هم قابل جمع است

جوان صورت می‌گیرد. اولین قدم و زمینه‌ساز تبلیغ است. من خود تجربه کردم تا روحانی همیشه حاضر در هیأت، لب به سخن باز می‌کند، غالب مردم و به خصوص جوانان با چشم و گوش مواظب حرف و حرکات روحانی هستند، ولی وقتی روحانی را ساعت ۹ از در حسینیه وارد می‌شود و مستقیم و بلامعلولی در بالای منبر قرار می‌گیرد و بعد از پایان صحبت، هم مستقیم از هیأت خارج می‌شود، در واقع، این تابوی جدایی روحانیت از مردم را با دست خود شکل می‌دهد.

به نظر شما مسؤول کسیت؟

من فکر می‌کنم در ابتدا، روحانی مقصر است که برای چنین زمانی نامناسب برنامه را قبول کرده‌اند. دوم: مسؤولین و اعضای هیأت امناء و هیأت، مسؤول هستند که با چنین زمانی با روحانی توافق نموده‌اند. سوم: سازمان تبلیغات و پلیس امنیت، مسؤول است که برای بعد از نصف شب اجازه برگزاری مراسم می‌دهد. و چهارم و پنجم و ششم...

من فکر می‌کنم که بخشی از ساده‌گذاری‌ها و سبک‌سنجی‌ها برخواسته از نوع نگاه ما به مسأله مهم تبلیغ است. اگر نگاه به تبلیغ یک نگاه رسالت‌گونه و تکلیف‌نگرانه نباشد، عواقب زیادی را به دنبال دارد، که حتی ممکن است، تخریب «تبلیغ» و «مبلغ» نیز محسوب شود. من به گوش خود شنیدم که برخی از شرکت‌کنندگان در هیأت یا از روی شوخی و یا واقعاً جدی، می‌گفتند: بعضی از شما آخوندها حسابی جیبتان را بزرگ دوخته‌اید، سه چهار جا در یک شب صحبت می‌کنید، آن هم مشروطه به بالای یک میلیون!! این یعنی تخریب «مبلغ» و «تخریب در تبلیغ»؛ نکند یک وقتی به نام «تبلیغ دین» در دام «تبلیغ دنیا» افتاده باشیم! هرگز نباید کیفیت کار را به بهانه کمیت آن از دست داد.

«تبلیغ دین» و «تبلیغ دنیا» با یک دیگر تفاوت‌هایی دارد، و شاخصه‌هایی؛ اگر به آن تفاوت‌ها و شاخصه‌ها

اگر نگاه به تبلیغ یک نگاه رسالت‌گونه و تکلیف‌نگرانه نباشد، عواقب زیادی را به دنبال دارد، که حتی ممکن است، تخریب «تبلیغ» و «مبلغ» نیز محسوب شود.